

قدیم‌نویسان معاصر

جریانی نوین در خوشنویسی امروزی ایران

کاوه تیموری

کهنکشان سیرم و دارم سر پرواز دگر
تا به خطی رسم از نقطه آغاز دگر
شیون فومنی

اشاره

درک تحولات هنری و نهضت‌های هنری معاصر یکی از ضرورت‌های روزآمد شدن در شناخت کلی هنر است. این ضرورت برای دبیران و مدرسان و دست‌اندرکاران هنر دارای شأنی مضاعف است. پویایی و نوشوندگی خوشنویسان و در نتیجه شکل دادن جریان‌های پیش‌رونده هنری در حوزه خوشنویسی یکی از موضوعاتی است که درک آن به غنا و قوت فرایند تدریس کمک شایانی می‌کند. در این نوشتار یکی از جریان‌های نوپدید خوشنویسی با عنوان «قدیم‌نویسان معاصر» را مورد تحقیق و بررسی قرار داده‌ایم که می‌تواند افق‌های جدیدی پیش روی دبیران هنر قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: نهضت بازگشت به قدما، قدیم‌نویسان معاصر، چرایی پیدایش، ویژگی‌های هنری، تأثیرات هنری، نقد و نظر



اثر: صداقت جباری- ۱۳۶۵



اثر: صداقت جباری- ۱۳۷۴

برای امروزی
شدن و برای
معاصر بودن،
خطی را باید
نگاشت که
از آن حال و
هوای معاصر
بودن درک
شود و آنگاه به
بیننده معاصر
عرضه شود

تراش قلم و بررسی tendy و تیزی زبانه آن باید اسیر گمان و فرض و حدس شویم. امری که اثبات یا ابطال آن دشوار خواهد بود. در حال حاضر و در زمان حال خوشنویسان به تجربیات و کشف‌های هنری تازه‌ای نائل می‌شوند که باید آن‌ها را شناسایی و ثبت کرد و دیگران را نیز در این تجربه مهم سهیم نمود. با این مقدمه به طرح مسئله می‌پردازیم.

طرح مسئله

یکی از نیازهای جدی در خوشنویسی امروز ایران مفهوم‌سازی و گنجاندن موضوعات خوشنویسی در قالب مفاهیم تازه است. مفاهیم اگر از غنا و کیفیت لازم برخوردار شوند راه را برای ابداع نظریه‌سازی و طرح‌های نظری فراهم می‌کنند. حاصل و نتیجه نظریه‌سازی هم بالا بردن توان تحلیل و تبیین موضوعات خوشنویسی، صورت‌بندی و جریان‌شناسی خواهد بود.

مقدمه

برخی از منتقدین هنرهای تجسمی را عقیده بر این است که هنر خوشنویسی در دوره معاصر، هنری است که در یک محدوده کوچک گرفتار تکرار و رج زدن‌های بی‌حاصل شده است. در واقع ایستایی، عدم خلاقیت و پویایی و از همه مهم‌تر بی‌بهره‌گی از طرح‌های نظری یا به عبارتی فقدان نظریه‌سازی، از آسیب‌های فعلی خط در روزگار ماست.

آن‌ها می‌پرسند: زمان خانه‌تکانی و بالندگی این هنر کی فرا می‌رسد؟ و این سؤالی است که همواره مطرح می‌شود. این نقدها البته و به‌طور معمول، نقدهای بیرون از جریان خوشنویسی است. با این حال نمی‌توان از آن‌ها به راحتی گذشت. به همین سان باید توجه داشته باشیم که اگر واقعیت‌های خوشنویسی معاصر را در زمان حال مورد توجه قرار ندهیم به‌طور حتم در آینده و با گذشت زمان برای فهمیدن امر ساده‌ای مانند



اثر: صداقت جباری- ۱۳۶۳



اثر: صداقت جباری



اثر: سید میرحیدر موسوی - ۱۳۹۶



اثر: سید میرحیدر موسوی - ۱۳۹۶



اثر: مجتبی شریفی



اثر: مجتبی شریفی - ۱۳۹۱

پاگیری نهضت
بازگشت
به قدمای
خوشنویس،
این نکته را به
خوبی نمایان
ساخت که نقش
عوامل اجتماعی
در جهت گیری
نهضت‌های
هنری یک
اصل زمینه‌ای و
اثرگذار است

انس دمام با مشق و مطالعه، زمینه‌های بروز تغییر و شکل‌گیری گرایش تازه را هموار می‌کند. با این نگاه، هنر مقوله‌ای از نوع آفرینش است و هنرمند به دنبال ابداع و نوآوری است.

نهضت بازگشت به قدما

در دههٔ چهل و پنجاه شماری اندک از خوشنویسان، به دلیل اشباع شدن از شیوهٔ غالب خوشنویسی و با هدف درک بیشتر ظرفیت‌های بصری قدما، بنیان اولیه‌ای را برای شکل‌گیری بازگشت به آثار قدما بنا نهادند. از آن جمله بودند استادانی چون رضا مافی (۱۳۶۱-۱۳۲۲)، استاد محمد احصایی و استاد عباس اخوین استاد جلیل رسولی که با گرایش به بزرگان خط نظام هندسی خود را قوام و انسجام بخشیدند. اینان در آثار خوشنویسی قدما صاف‌نویسی، نازک و ظریف و دقیق‌نویسی، شوریدگی در سیاه‌مشق و تند و تیزنویسی را جست‌وجو می‌کردند. در دههٔ پنجاه، علی‌رغم تلاش اولیهٔ این گروه پیشگام، جریان بازگشت به قدما به جریانی فراگیر تبدیل نشد. البته در کنار این پیشگامان، خوشنویسان دیگری نیز بودند که در کارهایشان رگه‌هایی از گرایش به قدما وجود داشت، با این حال فراگیر شدن این جریان گویا به زمان بیشتری نیاز داشت و همین‌طور هم بود؛ زیرا به تدریج نهضت بازگشت به قدما جای پای خود را در خوشنویسی معاصر ایران باز کرد و علاقه‌مندان بیشتری یافت تا آنجا که نسل دوم علاقه‌مندان به نهضت بازگشت قدما از لحاظ کمی و کیفی توانستند جریانی مستقل و اثرگذار را در خوشنویسی معاصر ایران پایه‌گذاری کنند. این نهضت، به‌طور کلی، موجب شد که تنوع زیباشناختی بیشتری در فضای خوشنویسی ایجاد شود که تأثیرات آن را می‌توان در چند مورد بیان کرد:

- احیای خوشنویسان بزرگ قدیم مانند میرزا غلامرضا؛
- وسعت بخشیدن به شیوه‌های رایج و غلبه بر حاکمیت تک‌شیوه‌ای؛
- توسعهٔ منابع و آثار قدما و عرضه کردن آن‌ها برای استفاده بیشتر علاقه‌مندان؛

- انگیزه بخشیدن به شاگردان و رهروان جدید به مطالعهٔ آثار قدما؛

- اعتباربخشی به قالب سیاه‌مشق؛

- زمینه‌سازی برای پیدایش جریان قدیم‌نویسان معاصر؛ یعنی جریانی که عطر و بوی خوشنویسی قدیم را توأم با جلوهٔ معاصر دارد.

اکنون از آخرین محور ذکر شده بحث اصلی نوشتار حول محور جریان قدیم‌نویسان معاصر را آغاز می‌کنیم.

جریان قدیم‌نویسان معاصر

در دههٔ هفتاد و در ذیل جریان بازگشت به قدما، شاهد جریانی از خوشنویسی و خوشنویسان بودیم که تحت تأثیر فضای زیباشناختی قدما و همچنین عوامل بیرونی مانند جشنواره‌های بین‌المللی، از شیوهٔ مألوف خود گذر کرده و به شیوهٔ قدما گرایش پیدا کردند. بنابراین نقطه کانونی این نوشتار حول محور این جریان است.

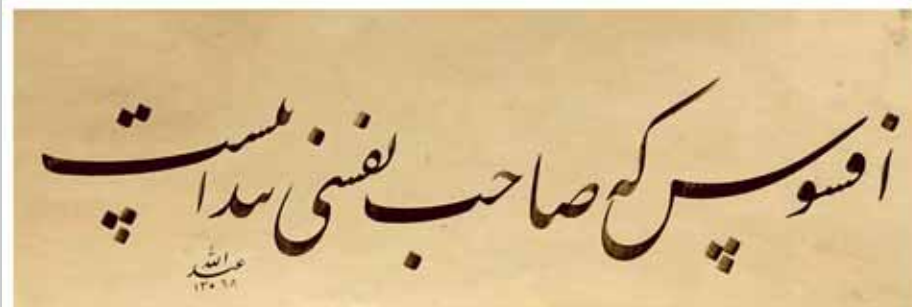
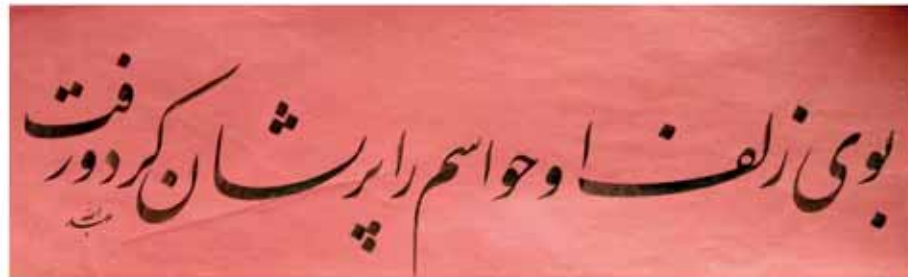
این دسته از خوشنویسان معاصر که به مکاتب و سبک‌ها و شیوه‌های قدیم دل‌بسته و گرایش یافته‌اند جریان تازه‌ای در خوشنویسی معاصر ایران شکل داده‌اند. در درون این جریان بنابر تفاوت‌های کمی شاهد تجانس کیفی هستیم. به عبارتی تمام خوشنویسان این جریان در گرایش به قدما مشترک‌اند ولی در میزان و نسبت این گرایش و نحوهٔ اجرا با یکدیگر تفاوت دارند. در واقع خوشنویسان دریافته‌اند که میرزاغلامرضا ثانی یا میرعماد ثانی شدن در دنیای خلاقیت هنری اعتباری ندارد، بلکه باید سخنی نو گفت و روایت تازه بنا نهاد.

عامل یا عوامل اجتماعی

پاگیری نهضت بازگشت به قدمای خوشنویس، این نکته را به خوبی نمایان ساخت که نقش عوامل اجتماعی در جهت‌گیری نهضت‌های هنری یک اصل زمینه‌ای و اثرگذار است. در حقیقت تمایل برخی از جریان‌های غالب این است که جریان خوشنویسی ایستای کشور همچنان ایستا بماند و حرکت یا جنبشی را آغاز ننماید. به رغم آنان؛ اما، تأثیرات و عوامل اجتماعی این تمایل را عملاً معکوس کرده و خط را به پویایی رسانده است.



اثر: عبدالله ستاریور - ۱۳۸۱



اثر: عبدالله ستاریور - ۱۳۹۸

در دههٔ چهل و
پنجاه شماری
اندک از
خوشنویسان،
با هدف
درک بیشتر
ظرفیت‌های
بصری قدما،
بنیان اولیه‌ای
را برای
شکل‌گیری
بازگشت به
آثار قدما بنا
نهادند

به‌عنوان نمونه، سال گذشته، در دو سالانه خوشنویسی قزوین (۱۳۹۷) که جشنواره‌ای ملی و مطرح است ملاحظه شد که از پیروان و مقلدان یک شیوه پرتطرفدار خوشنویسی به‌شدت کاسته شده است؛ به‌طوری‌که کسانی که در این شیوه قلم زده بودند تعدادشان به انگشتان یک دست هم نمی‌رسید. برعکس، رهروان شیوه قدما اکثریت غالب را تشکیل داده بودند و حال و هوای کلی نمایشگاه از آثار و عمدتاً سیاه‌مشق‌هایی پر شده بود که گرایش به قدما در آن کاملاً محسوس بود. این موضوع را در یک سطح کلان می‌توانیم سلايق و گرایش‌های عصری بنامیم؛ یعنی گرایش‌هایی که در یک دوره زمانی خاص نضج گرفته و برجسته و فراگیر می‌شوند. اما برای ورود تحلیلی به موضوع قدیم‌نویسان معاصر نیاز به درک نکات مفاهمه‌ای است.

نکات مفاهمه‌ای برای ورود به موضوع

هر پژوهش یا کتاب و گفتاری، از جمله همین مبحث فعلی، می‌تواند کاستی‌ها و لغزش‌هایی داشته باشد؛ کاستی‌ها و لغزش‌هایی که زاده محدودیت‌های گوناگون پژوهشی است. با این حال محققان عرصه هنر خوشنویسی باید شجاعانه وارد عرصه شوند و با ایده‌یابی و فهرست کردن پرسش‌های کلیدی به این نیازهای مهم هنری پاسخ بدهند؛ به‌ویژه اینکه در موضوع مورد بحث، به علت کم سابقه بودن، کارهای جدی صورت نگرفته است. بنابراین هرگونه نقد روا و خرده‌سنجی خردمندانه می‌تواند به تابش بهتر نور به موضوع کمک کند و با غنی کردن دستاوردها به پرسش‌های مطرح شده پاسخ دهد. در عرصه پژوهش باید تلاش کنیم که به شور و حالی که زائیده حس کنجکاوی خوشنویسانه است پاسخ قانع‌کننده یا هدایت‌کننده بدهیم. نکته مهم این است که بدانیم همه در یک راهیم و هرگونه پشتیبانی فکری و پژوهشی به روان کردن حرکت کاروان خط و تحرک بهتر آن می‌انجامد. - در هنر خوشنویسی یک نظم هندسی واحد نداریم بلکه به جای آن تنوع نظام‌های هندسی وجود دارد. البته باید اذعان کرد این ویژگی در حقیقت امتیاز

نظام‌های هندسی در خط نستعلیق است. همین تنوع است که در قلمرو زیباشناختی نیاز مخاطب را برآورده می‌سازد. برای تقریب ذهن باید اشاره کنیم که دیدن نظام‌های هندسی رایانه‌ای نه تنها حس بر نمی‌انگیزد بلکه تکرار ملال‌آور آن‌ها برای مخاطب آشنا حتی گزنده و آزاردهنده خواهد بود، زیرا هیچ انبساط‌خاطری در وی به بار نمی‌آورد.

اما در نظام‌های متنوع و اصیل هندسی پاسخ به نیاز زیباشناختی مخاطب، با وجود تنوع و فراز و فرودهای دلنشین خط، به‌خوبی تحقق می‌یابد.

- در موضوع تحلیل و بررسی قدیم‌نویسان معاصر به‌هیچ‌وجه مبنای ما قضاوت و ارزشگذاری در مورد خطوط نیست. به عبارت دیگر، اینکه خطی را قوی و خطی را متوسط یا ضعیف مطرح کنیم موضوعیتی ندارد. اصل موضوع روند تحول و چرایی تحول و بررسی این جریان است. در عین حال به این نکته مهم به تاسی از بزرگان هنر قائلیم که در مینا و در مبدأ نقد و کیفیت آثار یک خوشنویس، می‌توان بهترین کار وی را مورد توجه قرار داد.

نقطه عزیمت در فهم جریان قدیم‌نویسان معاصر

در پنجاه سال اخیر گرایش به مکتب قدما، به علت سیطره مکتب خوشنویسی کلههر، به امری دشوار و دیرپاب تبدیل شده بود. به جز چند استثناء از پیش‌کسوتان، عمده خوشنویسان به‌طور طبیعی یا غیرطبیعی تحت‌تأثیر و تعلیم آموزه‌های این مکتب بوده‌اند. کمبود منابع و آثار قدما و عدم فرصت بروز نیز مزید بر علت بوده است. به همین دلیل ورود به مکتب قدما و وارد کردن مؤلفه‌ها و ویژگی‌های خطوط قدما در خط معاصرین نیازمند تلاش، مطالعه عمیق و تمرین مداوم و انس با آثار قدما بود. در گذر زمان، بازگشت به شیوه‌های قدما شاید در ابتدای کار امری ساده بنماید اما عملاً امری سهل و ممتنع است. به عبارتی ورود یکباره، سطحی و بدون مطالعه، و از همه مهم‌تر بدون راهبری درست به شیوه قدما، مانند تیغ دو دمی خواهد

در پنجاه سال
اخیر گرایش
به مکتب
قدما، به علت
سیطرهٔ مکتب
خوشنویسی
کلهر، به امری
دشوار و
دیریاب تبدیل
شده بود

بینندهٔ معاصر عرضه شود. بر این اساس نقل مستقیم از آثار قدما فقط یک مرحلهٔ قابل گذر را برای خطاط نشان می‌دهد. توجه به قدما و گذشتگان ضروری است. به قول قیصر امین‌پور «گذشته گذشته است اما در نگذشته است.» لذا در عین توجه به قدما به نگارش و نوشتن قطعات معاصر و با کارکرد امروزی باید متوجه شد. در تلفیق امروز و گذشته خط را می‌توان با پشتوانهٔ متقدمان و نگاه معاصران نوشت و لباس زیباشناسانه و خوشنویسانه دورهٔ معاصر را بر تن حروف و کلمات پوشاند تا از این طریق حال و هوای معاصر را برای بینندهٔ امروز به ارمغان آورد. البته این نکته و تحقق آن امری دشوار و دیریاب و ادراک و توصیف آن هم تا حد زیادی مشکل است؛ چرا که درک واقعی آن نیاز به تجربه‌های زیستهٔ بی‌امان و همنفسی با خطوط هم قدما و هم معاصران دارد. برای معاصر کردن سرمایهٔ هنری و خوشنویسانه قدما ضروری است که چشم معاصر شدن را ببایم و قدرت دیدن و نگرش تلفیقی را پیدا کنیم. خوشنویس امروز باید خط را امروزی یا برای مخاطب امروز بنویسد. در شعر مشهور است که می‌گویند «آن کسی که نخست گل لاله را به شهید تشبیه کرد شاعر بود، کسی که دومین بار این تشبیه را کرد مقلد بود و کسی که بار سوم این تشبیه را به کار برد عاقل نبود.» پس نقل مستقیم آثار قدما بخشی از رسالت قدیم‌نویس معاصر است.

ویژگی‌های جریان قدیم‌نویس معاصر

به لحاظ فنی در این نوشتار با جریانی از خوشنویسان روبه‌رو هستیم که از بدو تعلیم یا چندسالی بعد از آن متوجهٔ خطوط مکاتب قدیم مثل مکتب میرعماد و یا سبک ویژهٔ میرزا غلامرضا یا میرحسین شده‌اند. شاگردان این خوشنویسان نیز لاجرم به تأسی از استادان خود تمایل به قدما پیدا کرده و برای خود در این زمینه اهمیت‌یافته‌اند. اما جریان قدیم‌نویسان معاصر ذیل جریان بازگشت به قدما دسته‌بندی می‌شوند. اینان اما دسته دومی هستند که از شیوهٔ معاصرین به شیوهٔ قدما تمایل پیدا کرده‌اند. در واقع به نوعی مهاجرت

بود که به خط رهرو آسیب وارد خواهد کرد. به قول ضرب‌المثل عامیانه، ممکن است فرد رهرو در دام «شتر گاو پلنگ» گرفتار آید. برای این تجربهٔ آسیب‌رسان نمونه‌ها کم نیست به همین دلیل برای ورود به حریم خوشنویسی قدما نباید و نمی‌توان سرنا را از دهان گشاد آن نواخت. تنها ارتباط بایسته با آثار قدما، درک زمانه و زمینهٔ اجتماعی و فرهنگی آن‌ها، مشق مداوم، بررسی و ارزیابی منتقدانه و سایر عوامل مهم دیگر است که به ما، در پیوند و پیوستگی با روح خوشنویسی قدما، کمک خواهد کرد.

به‌طور حتم اگر این شرایط به شکل مطلوب و یا نسی در رهروان قدیم‌نویسی فراهم آید لحظهٔ اتصال و پیوستگی نیز در موقع مناسب برای خوشنویسی رخ خواهد داد. لذا در این کار شتاب و تعجیل آفت جدی است و رهرو از مقصد متعالی باز خواهد ماند. سالک خط این فرض زمینه‌ای را می‌تواند در خود نهادینه کند که تلاش و قلم استادان متقدم در دوره‌ای به سپیدی کاغذ نشسته است که با روزگار فعلی متفاوت بوده و این پرسش کلیدی را مطرح کند که: آیا تقلید و یا نقل آثار قدما برایش کفایت می‌کند و یا باید آن را با اقتضائات روزگار معاصر پیوند دهد؟ اینجاست که باید از قطعه خطی سخن بگوییم که علاوه بر داشتن روح زمانه بتواند میراث قدما را نیز در پیش روی چشم بینندهٔ تیزبین و جمال‌شناس خود فرار دهد و از این طریق فرصت ایجاد لذت زیباشناختی را برای وی فراهم سازد. به همین سان این‌گونه می‌توان نتیجه گرفت که شکل‌گیری جریان قدیم‌نویسان معاصر را یک واقعهٔ آنی تصور نکنیم. این جریان در روند دورهٔ زمانی ۴۰ ساله و با شیب منطقی و آرام شکل گرفته و حاصل مطالعه و تغییر ذهنیت خوشنویسان نسبت به نظام‌های هندسی در خوشنویسی نستعلیق معاصر است. اما قدیم‌نویسان معاصر به چه نوع خوشنویسی گفته می‌شود؟

دیدگاهی نظری بر این باور است که برای امروزی شدن و برای معاصر بودن، خطی را باید نگاشت که از آن حال و هوای معاصر بودن درک شود و آنگاه به

در این دوره
گذار، نقش
ابزارها، مانند
قلم و تراش آن
و بهره‌گیری از
کاغذ ویژه سهم
قابل توجهی
در شکل‌گیری
سرنوشت
نهایی خطوط
قدیم‌نویسان
معاصر داشته
است

از مختصات هنری یک شیوه به مختصات هنری شیوه‌های قدما اتفاق افتاده است. کانون اصلی در این بررسی، واکاوی این بخش از معاصران قدیم‌نویس است که در یک دوره زمانی به شکل آگاهانه یا طبیعی و خودجوش خط آن‌ها به سمت و سوی قدما متمایل شده است. بدیهی است این میزان از تمایل دارای اندازه ثابت نیست و هر خوشنویسی به فراخور میزان مطالعه و میزان علاقه و حتی میزان توانایی خود در این مسیر قرار گرفته و خطش نموداری از تعبیر به شیوه قدماست. به‌عنوان نمونه، در مورد گرایش به آثار قدما، یکی از خوشنویسان از اثر آموزشی خود نام می‌برد و می‌گوید این اثر به چاپ بیستم رسیده، با این حال من دیرزمانی است که به آن شیوه نمی‌نویسم. این نکته نشان می‌دهد که مراجعه به آثار قدما در شماری از خوشنویسان به یک احساس علاقه درونی و البته به یک جنبش ذاتی در آن‌ها تبدیل شده است.

تغییرات و گرایش به خطوط قدما در دو سطح قابل بررسی است:

- گرایش نیمه‌عمیق که تا حدودی خطوط، انعکاس‌دهنده گرایش خطوط قدماست.

- گرایش عمیق که نمونه‌ها بیان‌گر میزان بالایی از گرایش به قدماست. اما در یک نگاه کلی جریان قدیم‌نویس معاصر دارای ویژگی گرایش به قدماست.

البته باید در نظر داشته باشیم که این سطح از گرایش به خطوط قدما، بنا بر نسبت و سیر تکاملی خط، امری اجتناب‌ناپذیر است اما روند آن و دلایل و چگونگی آن قابل بررسی است و می‌توان نکات درس‌آموزی در آن یافت.

- در جریان قدیم‌نویسان معاصر نمونه‌هایی وجود دارد که حال و هوای قدما را تداعی می‌کند، از جمله اینکه فضای کلی خط علاوه بر ویژگی معاصر بودن ریشه در سنت‌های خوشنویسی قدیم دارد. این ویژگی‌ها علاوه بر فرم خط در روح خط نیز قابل واکاوی و درک است. - شاخص قدیم‌نویس در معاصرین و میزان گرایش آن‌ها معیاری است که مراتب و درجاتی کم یا زیاد دارد. مهم این است که این گرایش اگر از میزانی بالاتر رود و

خود را در ذهن بیننده القا کند می‌توان خوشنویس را در شمار قدیم‌نویسان معاصر به شمار آورد.

- با مرور قطعات و تصاویر، حال و هوای سنت‌های دیرین خوشنویسی در ذهن بیننده تداعی می‌شود به‌طوری که از نظر زیباشناختی نیز باید انصاف داد که برخی از آثار قدیم‌نویسان معاصر در نسبت با سایر شیوه‌های خط دارای بار زیباشناختی بالایی هستند. با دیدن شماری از این آثار علاقه‌مند خط دچار شوک جمال‌شناختی می‌شود. در این حالت او لحظه ویژه‌ای را تجربه می‌کند که پیش از این گویی برایش رخ نداده و لذا از تازگی و بدیع بودن حکایت دارد. مثلاً آثار استاد اخوین و استاد احصایی، سیاه‌مشق‌های آهنگین جبابری، موب‌نویسی رمضان‌پور، صاف و تند و تیزنویسی شه‌بازی، استوارنویسی جوادزاده، فضاسازی موسوی و ده‌ها نشانه دیگر حاکی از آن است که استفاده از ظرفیت‌های خوشنویسی قدما آرام آرام در دوره فعلی خود را تکانه و به بالندگی و رشد رسیده است. با این احوال به این نکته باید افزود که در جمع خوشنویسان هر کسی به میزان درک زیباشناختی خود با میراث خوشنویسی قدما مواجه شده است. بنابراین در ارزیابی و فهم بهتر دستاوردهای معاصران از میراث قدما این اصل را می‌توانیم مدنظر داشته باشیم.

- بدیهی است که در این دوره گذار، نقش ابزارها، مانند قلم و تراش آن و بهره‌گیری از کاغذ ویژه سهم قابل توجهی در شکل‌گیری سرنوشت نهایی خطوط قدیم‌نویسان معاصر داشته است. زبانه قلم‌ها در تراش به شکل تیزتر و استخوانی‌تر درآمده و زبانه آن‌ها برای صاف‌نویسی بیشتر تعبیه شده است. ظهور کاغذهای دست‌ساز و استفاده فراگیر از آن‌ها در قطعات برای هماهنگی بیشتر بین انتظارات خوشنویس در گرایش به قدما و اجرای آن در صفحه نیز نقش بسزایی داشته است.

از دیگر ویژگی‌های مهم جریان قدیم‌نویسان معاصر و استفاده آن‌ها از گنجینه زیباشناختی در نستعلیق قدما، رها کردن یا رها شدن خوشنویس معاصر از سیطره و سایه‌سار نام‌های بزرگ فعلی است.

به بیان دیگر، ظهور خوشنویسان میرز و به دست دادن شیوه‌های مستقل و تأثیرپذیری هوشمندانه از قدما، به جایی رسیده که امروز شیوه‌های فنی و منحصر به فردی داریم که نه شیوه کسی به آن‌ها ماند و نه آن شیوه از آن کس دیگری است و کاملاً مستقل است. باید افزود، در دوره معاصر، خوشنویسان قدیم‌نویس در ترکیب نیز موفق‌ترند، زیرا در آثار قدما حرف، کلمه و سطر استقلال دارند اما در پیوند با هم به انسجام و حسن هم‌جواری بایسته معاصر نمی‌رسند. و این خلاء توسط قدیم‌نویسان معاصر در آثارشان به خوبی پر شده است.

تأثیرات زیباشناختی

تلاش نوجوانانه جریان قدیم‌نویسی معاصر یکی از تلاش‌های ارزنده‌ای است که خوشنویسی امروز ایران را از یکنواختی و یکپارچگی و شبیه‌نویسی آزاردهنده‌ها ساخته است. تنوع‌بخشی به شیوه‌های موجود و پاسخ دادن به سلیق متفاوت هنری از دیگر برکات و تأثیرات این جریان مهم است. در حقیقت می‌توان اذعان داشت که با حضور جدی جریان قدیم‌نویسی بیننده بصیر شاهد آن است که در یک پیوستار تاریخی تمام ظرفیت‌های خوشنویسی گذشته و حال را با عینک مؤلفه‌های بصری روزگار معاصر می‌بیند و از آن لذت می‌برد. این کار خدمت مهمی است، زیرا خوشنویسی معاصر ایران از نبود آن رنج می‌برد و خود را در تنگنای یکی دو شیوه غالب گرفتار می‌دید. این گروه از خوشنویسان چه پیشگامان نهضت بازگشت به قدما و چه خوشنویسان قدیم‌نویس معاصر دارای دو ویژگی شجاعت و کوشش با هم بودند. آن‌ها در روزگاری این حرکت را به پیش راندند که کارشان استثنایی نسبت به قاعده محسوب می‌شد. در واقع اینان خلاف جریان رودخانه شنا کردند و ما امروز می‌توانیم پاسخ آن شجاعت و سختکوشی را در رنگین‌کمان سپهر خوشنویسی ایران بنگریم. باید توجه داشته باشیم که وارد شدن در نظام خوشنویسانه قدما و درک هندسه فنی و سازوکارهای

درونی خط آن‌ها کار ساده‌ای نیست. این سخن استاد محمد احصایی بسیار قابل اعتناست که می‌گوید: «مشق کردن از کارهای اصیل قدما هر خوشنویسی را متواضع می‌کند.» این سخن کسی است که خود عمری را در گرو خطوط قدما نهاده و با آثار آن‌ها همزیستی داشته است. به همین دلیل است که کار قدیم‌نویسان به خاطر تحمل رنج و ریاضت و دل‌کنندگی از شیوه غالب روزگار و گشودن راهی نو و تازه قابل تقدیر است. - جریان قدیم‌نویسان ایران راه را برای حضور خوشنویسی ناب و اصیل ایرانی در صحنه‌های بین‌المللی فراهم کرده است. تقریباً عموم خوشنویسانی که در صحنه‌های بین‌المللی خوشنویسی نستعلیق مقام می‌آورند از جریان قدیم‌نویس معاصر هستند و نمونه بارز آن مسابقات ارسیکا می‌باشد که بیش از چهل برگزیده ایرانی داشت.

نقد و نظر

جریان قدیم‌نویسان معاصر اگر بتواند با کار و تلاش بیشتر خود را از آرایه‌های تقلیدی و زوائد غیرضروری مکتب قدیم تکانیده و به بالندگی بیشتر برسد، خواهد توانست جریان تأثیرگذار در تاریخ خوشنویسی ما باشد. به‌طور حتم محققان و خوشنویسان در پنجاه سال بعد اگر به این جریان نظر بیندازند بر ذوق زیباشناختی و پیشگامان این حرکت درود خواهند فرستاد. - بازکاوی انتقادی شیوه قدما کار ویژه و اصلی هنرمندانی است که به این جریان تعلق دارند. به‌عنوان نمونه تقلید و نظیره‌نویسی صرف از آثار میرزاغلامرضا در انتهای کار می‌تواند به جایگاه «میرزاغلامرضای ثانی» منجر شود. اما تصحیح برخی از لغزش‌های میرزا چه در فرم‌بندی و چه در هندسه حروف به‌عنوان بزرگ بودن شماری از دوایر و ده‌ها کار انجام نشده دیگر است که می‌تواند نهضت قدیم‌نویسان معاصر را در روند نوشوندگی آثار قدما و بازنویسی آن‌ها در حال و هوای معاصر قرار دهد. در یک نگاه کلی تقلید صرف یا نظریه‌نویسی از ایستا بودن ذهن خوشنویس خبر خواهد داد اما پویایی، نوشوندگی و برداشت تازه

در دوره معاصر،
خوشنویسان
قدیم‌نویس
در ترکیب نیز
موفق‌ترند، زیرا
در آثار قدما
حرف، کلمه و
سطر استقلال
دارند اما در
پیوند با هم به
انسجام و حسن
هم‌جواری
بایسته معاصر
نمی‌رسند



اثر: استاد جلیل رسولی - ۱۳۵۷



اثر: استاد محمد احصایی - ۱۳۸۱

ارزش نهضت بازگشت و دستاورد آن، یعنی جریان قدیم‌نویسان معاصر، دارای نشان و مرتبه مضاعف است

جمع‌بندی

نیاز اصلی در روزگار ماست، باید در انتظار بمانیم و این پرسش کلیدی را مطرح کنیم که آیا جریان قدیم‌نویسان معاصر از دوران گذار با بالندگی و بازآفرینی نظام هندسی نوین با دست پر عبور خواهد کرد؟ یا اینکه به بیماری ایستایی و در جا زدن و رفع نیاز روزانه بسنده خواهد نمود!

در یک چشم‌انداز آینده‌نگرانه، برای هر تحقیقی این سؤال پژوهشی مطرح است که آیا در خوشنویسی ثلث، نسخ و شکسته ایران امروز و امروز ایران می‌توانیم از جریان‌های نوین و پیشرو در این رشته‌ها خبر دهیم؟ بر محققان و متخصصان این رشته‌ها لازم است که با کنکاش و کنجکاوی لازم این سؤال پژوهشی را پاسخ دهند و دستاوردهای آن را به علاقه‌مندان عرضه کنند.

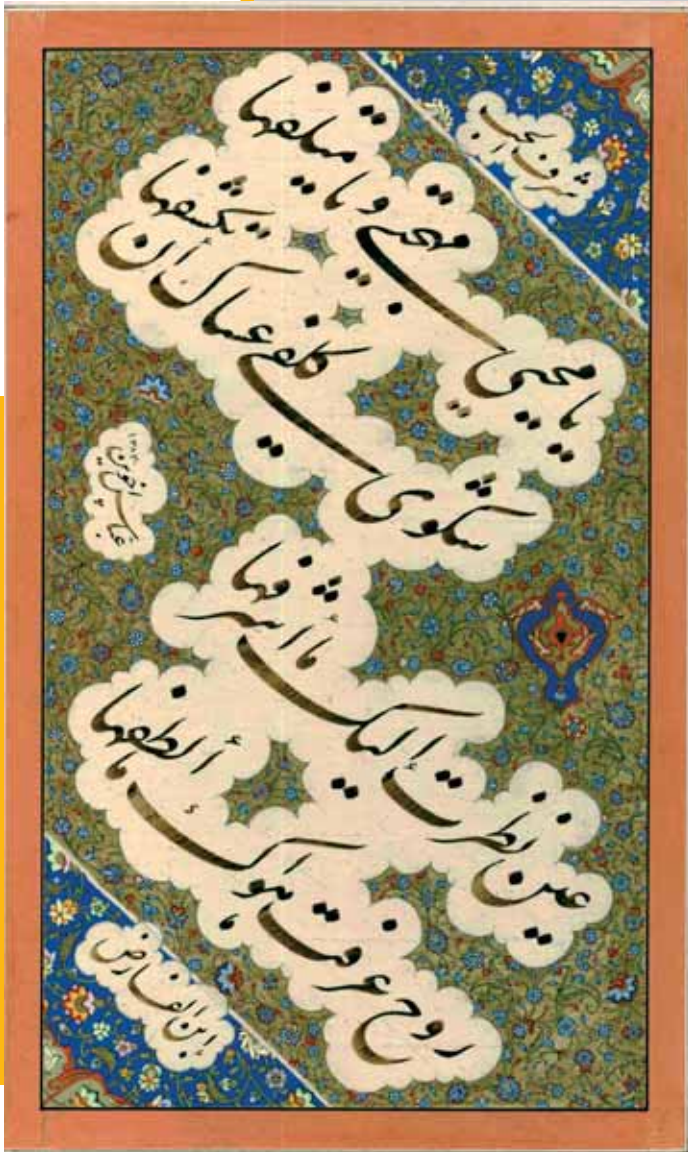
در جمع‌بندی باید گفت قدیم‌نویسان معاصر در دوره فعلی جریانی هستند که برای پیوند ارزش‌ها و ظرفیت‌های بصری و زیباشناختی آثار قدما با علایق و انتظارات معاصران تلاش کرده و گام‌های مؤثری برداشته‌اند. نیک آگاهی که تقلید یا نقل کردن میراث خوشنویسی گذشتگان خوب و مفید و ارزشمند است اما امروزی کردن این ظرفیت‌ها مهم‌تر است. نکته اینجاست که در میان اهل خط افرادی هستند که با قوام و انسجام خط در مراحل پختگی نیز همان شیوه را تداوم داده‌اند و تغییری در سیمای حروف و کلمات چیدمان یا ترکیب موجود نیاورده‌اند. اما تعدادی از خوشنویسان مطرح از نظام هندسی اولیه‌ای که خط خود را قوام داده، فاصله گرفته و در چیدمانی تازه و

سیمایی دگرگونه از مفردات و کلمات نظام هندسی تازه‌ای مبتنی بر گرایش به خوشنویسان قدیم بنا نهاده‌اند. به همین‌سان کار محقق یا ناقد منصف تحلیل دگرگونی‌هایی هر نظام هنری قبلی در نسبت با نظام هندسی مرجع است.

زیرا یک خطاط و خوشنویس با تمام وجود شیوه یا سبکی را تقلید می‌کند و به مرحله نظیره‌نویسی می‌رسد. دیگری راه را تداوم می‌دهد و با بهره‌گیری از چند نظام هندسی مرجع به تلفیقی نویسی روی می‌آورد و بعد اگر توفیق یابد به مرحله مستقل‌نویسی می‌رسد و به بخشی از تاریخ خوشنویسی معاصر تبدیل می‌شود. در ختم کلام توجه به این نکته ضروری است که شکل‌گیری و بالندگی نهضت بازگشت به قدما و به تبع آن راه و رسم سنتی خوشنویسی رخ داده است. زیرا تأکید و رواج یک شیوه و ایجاد موانع برای رهایی و خلاقیت در فضای بسته و سنتی هیچ‌گاه زمینه را برای رشد فضاهای تازه و شیوه‌های جدید فراهم نکرده است. به همین دلیل است که ارزش نهضت بازگشت و دستاورد آن، یعنی جریان قدیم‌نویسان معاصر، دارای نشان و مرتبه مضاعف است. زیرا از ابتدا در دایره‌ای محدود و با همت و پشتکار فردی به عرضه درآمد ولی توانست خود را در سپهر خوشنویسی ایران تثبیت کند. این جریان را به‌طور طبیعی شماری خوشنویس پیشرو با کار فردی و همت قلم خود آغاز کردند و گرچه ارتباط قابل توجه و هدفمندی با هم برای شکل‌گیری این جریان نداشتند اما حاصل تلاش‌های فردی اکنون در یک مجموعه بزرگ‌تر و با خطوط نامرئی و مرئی به هم پیوسته این جریان اثرگذار را شکل داده است.



اثر: استاد رضا مافی - ۱۳۶۱



اثر: استاد عباس اخوین - ۱۳۸۴